



A Typological Exploration of the Pathways in the Historic Urban Fabric of the Iranian Cities Case Study of the Historic Urban Fabric of Shiraz (Iran)

Mahsa Sholeh^{1,*} and Sara Yousefi Mashhour²

¹- Assistant Professor of urban design, Shiraz University, Shiraz, Iran

²- MA in Urban Design, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

* Corresponding author, msholeh@shirazu.ac.ir

ARTICLE INFO

UPK, 2019

VOL.3, Issue.3, PP, 83-108

Received:06 Mar 2019

Accepted: 19 Nov 2019

Dep. of Urban Planning

University of Guilan

KEYWORDS Historical Pathways, Physical Typology, Iranian City, Historic Fabric of Shiraz

ABSTRACT

Background: Historical pathways have been a network of the interconnected routes that shaped the form, scale and the spatial distinctiveness of the public domain in the historic cities. The diversity of the form and physical characteristics of the pathways could lead to the development of a typological approach in which various criteria like how to form and the design, the shape, the lateral surfaces, the material and fabric of the surfaces, the indicative elements and the spatial proportions are taken into consideration.

Objectives: The objective of this article is to review the characteristics and metrics of the historical pathways in Shiraz for the purpose of their analytical typology.

Method: This article deals with the typological exploration of the historic urban fabric of Shiraz. So, a sample of twenty pathways which were of the most important ones of the urban fabrics with an appropriate dispersion has been analyzed. Using the analytical criteria derived from the previous studies and the field survey, the physical characteristics of each pathway have been recognized, analyzed and listed.

Result: In the Iranian historic cities, the pathways give rise to a distinct image for its different parts. Accordingly, the variety of form and content, while sharing the same characteristics that can be conceived in each city for historic pathways, creates a distinct image for any of the city's quarters; the unique features which characterize the historic and cultural realms of cities. Understanding of these place values and their re-evaluation of historical environments can serve as a mechanism for refining historical spaces and using them as redesign patterns.

Conclusion: The results showed that despite the common basis of all the pathways as the components which form an interconnected network throughout the historic city, the characteristics of each pathway stemmed from the cultural context, location, function and its specified role leads to a diverse range of pathways, observing the design considerations which make the spatial diversity and continuity tangible. This diversity perfectly demonstrates the vast capacity of the historic urban fabric to create a multiplex integrity of the distinguished linear elements, the pathways, as a dynamic urban network.

Highlights:

In Iran's historic cities, pathways have identified the territories of urban life and culture.

They define the interconnected structure of neighborhoods, stabilizing the boundary between homogeneous clusters, and restricting access scale, recognizing different parts of a city, and creating a distinct image for each.

These parts have been to such an extent that the name, form, length, and width of each pathway, and the variety of physical and functional features, have itself been a factor in the recognition of each part of the historic city.

Cite this article:

Sholeh, M. & Yousefi Mashhour, S. (2019). A Typological Exploration of Pathways in Historic Urban Fabric of the Iranian Cities Case Study: Historic Urban Fabric of Shiraz (Iran). *Urban Planning Knowledge*, 3(3), 83-108.
doi: 10.22124/upk.2019.12781.1175

واکاوی گونه‌شناسانه عنصر گذر در بافت تاریخی شهرهای ایران مورد پژوهی بافت تاریخی شیراز

مهسا شعله^{۱*} و سارا یوسفی مشهور^۲

۱- استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: msholeh@shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>دانش شهرسازی، ۱۳۹۸ دوره ۳، شماره ۳، صفحات ۸۳-۱۰۸ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان</p>	<p>بیان مسأله: گذرهای تاریخی، شبکه ای هم پیوند از راه‌هایی بوده که شاکله بافت، مقیاس و تعیین فضایی قلمروهمگانی را در شهرهای تاریخی رقم می‌زده‌اند. تنوع در فرم و کالبد گذرها، می‌تواند سبب تکوین نوعی از نگاه گونه‌شناسانه شود که در آن معیارهای گوناگونی مانند نحوه شکل‌گیری و طراحی، شکل، سطوح جانبی، جنس و بافت سطوح، عناصر شاخص و تناسب فضایی مورد توجه قرار می‌گیرند. سازوکاری بافت‌های تاریخی به نحوی است که سبب می‌شود تنوع گذربندی خود را به مثابه بارزترین وجه ایجاد تمایز در بافت بنمایاند، و سبب شود تا هر گذر، عاملی باشد برای ایجاد تصویری مشخص از هر محله یا زیربخش از بافت شهر تاریخی.</p> <p>هدف: مقاله بازخوانی بارزه مندی‌ها و معیارهای مستتر در کالبد گذرهای تاریخی شهر شیراز، به منظور گونه‌شناسی تحلیلی آنهاست.</p> <p>روش: این مقاله به واکاوی گونه‌شناسانه گذرهای بافت تاریخی شیراز می‌پردازد. بدین منظور نمونه‌ای شامل بیست گذر از مهم‌ترین گذرهای بافت با پراکنش متناسب مورد تحلیل قرار گرفته، و بر اساس معیارهای مستخرج از مطالعات پیشین، و پیمایش میدانی، ویژگی‌های کالبدی هر یک از گذرها بازشناسی، تحلیل و فهرست گردیده است.</p> <p>یافته‌ها: در شهرهای تاریخی ایران، گذرها افزون بر اینکه عامل تشخیص قلمروهای فرهنگی و زیستی هستند، موجب ایجاد تصویری متمایز برای بخش‌های مختلف آن می‌شوند. بر این اساس تنوع فرم و محتوا در عین ویژگی‌های مشترکی که می‌توان در هر شهر برای گذرهای تاریخی متصور شد، به نوعی رخ می‌نمایاند و سبب ایجاد تصویری متمایز برای هر بخش از شهر می‌شود. ویژگی‌های منحصر بفردی که خود عامل بارزه مندی قلمروهای تاریخی و فرهنگی شهرهاست و فهم این ارزشمندی‌های مکانی و ارزش‌دهی دوباره به محیط‌های تاریخی می‌تواند سازوکاری برای بازخوانی فضاهای تاریخی و استفاده از آنها به عنوان الگوی بازطراحی گردد.</p> <p>نتیجه: نتایج نشان می‌دهد علیرغم بنیان مشترک گذرها به عنوان اجزاء شکل‌دهنده به شبکه‌ای همپیوند در شهر تاریخی، ویژگی‌های منبسط از زمینه فرهنگی، موقعیت مکانی، و کارکرد و نقش‌پذیری مشخص، سبب ایجاد طیفی متنوع از گذرها با رعایت ملاحظات طراحی منجر به تکوین تباین و تداوم فضایی بوده است. این تنوع نشان از ظرفیت بافت تاریخی در ایجاد کثرتی متکثر از عناصر متباین خطی به صورت یک شبکه پویای شهری داشته است.</p>

نکات برجسته:

در شهرهای تاریخی ایران، گذرها عامل تشخیص قلمروهای فرهنگی و زیستی شهرها بوده، و ضمن تعریف ساختار همپیوند محله‌ها، و تثبیت مرز میان خوشه‌های همگن، و تحدید مقیاس دسترسی، موجب بازشناسی بخش‌های مختلف یک شهر، و ایجاد تصویری متمایز برای هریک از این بخش‌ها بوده‌اند تا جایی که نام و وجه تسمیه، شکل، درازا و پهنای هر گذر، و برخورداری از انواع بارزه‌های کالبدی و کارکردی، خود عامل بازساخت هریک از بخش‌های شهر تاریخی بوده است.

ارجاع به این مقاله:

شعله، مهسا و یوسفی مشهور، سارا. (۱۳۹۸). واکاوی گونه‌شناسانه عنصر گذر در بافت تاریخی شهرهای ایران مورد پژوهی بافت تاریخی شیراز. *دانش شهرسازی*، ۳(۳)، ۸۳-۱۰۸.
doi: 10.22124/upk.2019.12781.1175

مقدمه

موجودیت شهرهای تاریخی، اگر بتوان مفهوم تاریخی بودن را به مثابه انتزاعی از شرایط گسست ساحت کالبدی و دگرگونی بطنی، و یا یکباره درونمایه های آن دانست، می تواند با عناصری شناخته شود که ویژگی های کالبدی و کارکردی شهر دوران خود را همزمان متبلور ساخته و پیش چشم نمایان می ساخته اند. جوهره اساسی تکوین کالبد شهر، همچنین قطعه هایی از آفرینش معماری است که در ادبیات آن را «توده» نامیده اند، به نحوی که در همین رهگذار، «فضا» تعیین یابد، و تداوم فضایی، به عاملی برای ارتباط، اتصال و سرآخر، انسجام کالبدی شهر، بدل شود. عامل و یا به تأویلی کالبدی-فضایی، عنصر راه که آن را به ترجمان کارکردی، در شهرهای تاریخی، «گذر» نام کرده اند، سرشتی دوساحتی دارد، بدین معنا که هم عامل ارتباط و پیوند است، که از میان توده راه می سپارد، و هم خود فضا است و یا زیرمجموعه ای از کیفیت فضایی شهر. تعریف شدگی گذر، مرهون توده است، و همپیوندی توده، به سبب وجود گذر. به این ترتیب، می توان دیالکتیک توده و فضا را به مثابه خاستگاهی وجودی بر واقعیت شبکه گذرها در یک بافت تاریخی دانست. این دیالکتیک همان است که در جستارهایی معتبر آن را دو وجه اصلی نضج یافتن بافت شهرها دانسته (Panerai et al., 2005)، و در بازبایی جنبه ملموس بافتار شهر، آن را موجد همپیوندی کالبدی در هر دو مقیاس قطعه و ابرقطعه برشمرده اند (Kostof, 1993). در شهرهای تاریخی ایران، گذرها افزون بر این ماهیت شناخته شده، خود عامل تشخیص قلمروهای فرهنگی و زیستی شهرها بوده، و ضمن تعریف ساختار همپیوند محله ها، و تثبیت مرز میان خوشه های همگن، و تحدید مقیاس دسترسی، موجب بازشناسی بخش های مختلف یک شهر (توسلی، ۱۳۷۶)، و ایجاد تصویری متمایز برای هریک از این بخش ها بوده اند تا جایی که نام و وجه تسمیه، شکل، درازا و پهنای هر گذر، و برخورداری از انواع بارزهای کالبدی و کارکردی، خود عامل بازشناخت هریک از بخش های شهر تاریخی بوده است. به این تعبیر، فرم گذرها، تا حدود بسیاری، تابع عوامل و انگیزه های گوناگونی بوده، اما آنچه در این میان به عنوان اصلی ثابت می تواند مورد قبول باشد، تنوع فرم و مقیاس گذرهاست که در هر شهر به گونه ای رخ می نمایند. این مهم در شرایطی که محقق گردد تنوع گذر بندی های تاریخی، مهم ترین عامل جلوه گری تنوع بارز و عیان در کالبد شهرهای تاریخی است، بیشتر معنا می یابد.

در همین باره، مقاله حاضر تلاش می کند تا با در نظر آوردن پاره ای از مهمترین بارزه مندی ها و معیارهای مستتر در کالبد گذرهای تاریخی شهر شیراز، به نوعی گونه شناسی تحلیلی دست یابد، و آن را در قالب فهرستی از نتایج مدون، ارائه نماید. گونه شناسی تلاشی است برای قرار دادن مجموعه ای از اشیاء پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه ریزی (Rapaport, 1990:96). در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در فرایند انجام پژوهش با استفاده از شیوه گونه شناسی، گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز براساس ساختار شکلی مورد بازخوانی و تحلیل قرار می گیرند. بنیان گونه شناسی از تلاش های شکل شناسانه ی سیت و زوکر آغاز می شود و توسط کالین رو در ساختار تاریخی شهر و فضای شهری و آلدوروسی در زمینه معماری ادامه پیدا می کند و نهایتاً گسترده ترین شکل شناسی را برادران کریز (راب و لئون) در زمینه فضاهای شهری انجام می دهند (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲). در این راستا پس از شناسایی گذرهای تاریخی شیراز با برداشت میدانی براساس تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ و نقشه برداشت شده در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی، که به نوعی اولین نقشه کامل سازمان نقشه برداری کشوری از بافت تاریخی شهر شیراز است، ۲۰ گذر تاریخی مورد تحلیل و گونه شناسی قرار گرفتند. امکان برداشت میدانی گذرها با توجه به شرایط فرسودگی آنها و نیز درجه اهمیت و پخشایش آنها در تمامی محله های بافت تاریخی شیراز، از مهم ترین دلایل چگونگی انتخاب آن ها بوده است.

شهر قدیم شیراز و گذرهای تاریخی آن

«گذر» در لغت به معنای راه، معبر، جاده، راه شاه است. گذری فراخ که از آنجا به راهها و جای های بسیار توان شد (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۸۹۸۸). همچنین به معنی محل عبور، محل تقاطع سه کوچه و بازارچه ی بدون سقف هم آورده شده است (فلاح فر، ۱۳۸۸، ۲۲۹). در تعریف گذر با استفاده از مفهوم سلسله مراتب می توان گفت «کوچه در سلسله مراتب ارتباطی بعد از بن بست قرار دارد. دهانه ی بن بست ها به کوچه گشوده می شود. در محل برخورد چند کوچه، میدانچه هایی به وجود می آمد که گذر نامیده

۱. اولین نقشه کامل شیراز در سال ۱۳۴۵ براساس عکسبرداری سازمان نقشه برداری کشور در سال ۱۳۴۳، به چاپ رسید.

می‌شد» (پاکزاد، ۱۳۹۰، ۷۳). در تعاریف دیگر آمده است که گذرها راه‌های ارتباطی عمده و اصلی هر بافت تاریخی اند که نقش به‌سزایی در هدایت حرکت پیاده در درون بافت داشته و عناصر کارکردی و فعالیت‌های اصلی را در بدنه‌ی خود جای داده‌اند و به این ترتیب مکان‌هایی را جهت برقراری تعاملات اجتماعی و گذراندن اوقات فراغت شکل می‌دادند. گذرها در واقع راه‌هایی بودند که از بین محلات عبور کرده و آنها را به یکدیگر و مرکز شهر و سایر فضاهای جمعی متصل می‌کردند. از همین رو، گذرها ستون فقرات بافت‌های تاریخی به‌شمار می‌رفته‌اند که علاوه بر مرتبط ساختن فضاهای جمعی به هم، کاربری‌های مهم شهری را نیز در کنار خود جای می‌دادند.

در بافت‌های تاریخی شهرها، گذرهای اصلی که غالباً از دروازه‌ای تا دروازه‌ی دیگر امتداد می‌یافته‌اند، دقیقاً در مسیر عبور راه‌های منطقه‌ای، از درون شهر می‌گذشتند و اغلب خدمات شهری، مراکز محله‌ها، مساجد بزرگ، بازارچه‌ها و کاروانسراها در حاشیه‌ی آنها قرار می‌گرفتند. عمده‌ترین دلیل شکل‌گیری بازارهای خطی و تک‌راستا، که از شاخصه‌های شهر ایرانی است، همین اهمیت راه اصلی و گذر آن از درون شهر است (سلطان زاده، ۱۳۷۰، ۲۵). ساختار کالبدی شهرهای ایرانی به ویژه شیراز، از دیرباز بر اساس عبور راه‌های مهم ارتباطی میان منطقه‌ای از درون آنها شکل گرفته‌اند. به همین دلیل مسیرها و گذرها، یکی از اصلی‌ترین عناصر ساختاری شهرهای ایران را تشکیل می‌دهند و نقش ویژه‌ای را در تصویر ذهنی افراد از شهر ایفا می‌کنند (اردشیری و معاریان، ۱۳۸۹، ۳۶۰).

با نگاهی اجمالی به سفرنامه‌ها می‌توان حال و هوای گذرهای تاریخی شیراز را در میان آن‌ها جستجو نمود. اوژن فلاندن، نقاش فرانسوی در سفرنامه خود از شیراز می‌نویسد: «از دروازه‌ای که در اول بازاری بسیار خوب بنا شده وارد شهر گشتیم، این سردر و دروازه بزرگ را می‌توانم بگویم یکی از بهترین و زیباترین دروازه‌هایی است که در ایران دیده‌ام و از یادبودهای کریم خان زند است. از چند کوچه دیگر تاجرنشین که وسعتشان به مراتب کمتر از پیشین می‌شد، عبور کردیم. پس از اینکه هزاران پیچ و خم را طی نمودیم در محله عیسویان داخل شدیم» (فلاندن، ۱۳۵۶، ۳۲۸). اشاره این سیاح اروپایی به اهمیت دروازه اصفهان و راه ارتباطی آن از طریق بازاری در راستای بازار وکیل به سمت داخلی شهر تاریخی شیراز است. کروسینسکی نیز در اواخر دوره صفوی گذرهای شیراز را چنین توصیف می‌کند: «کوچه‌های شیراز همان طوری که اغلب گفته شد، بسیار تنگ و در بعضی جاها به زحمت دو سوار کنار هم می‌توانند عبور نمایند. خانه‌ها آجری ولی هیچ پنجره‌ای به کوچه‌ها باز نمی‌شود و با این ترتیب مدتی طول کشید تا ما به بازار وکیل رسیدیم» (کروسینسکی، ۱۳۶۹، ۲۲۵).^۱

بروگش، شرق‌شناس آلمانی در کتاب سفری به دربار سلطان صاحبقران در زمان ناصرالدین شاه اوضاع شهر شیراز را بدین گونه می‌بیند که «مسافری که راه دور و دراز بسیار خسته‌کننده‌ای را طی کرده و به شیراز می‌آید، پس از ورود قبل از هر چیز اشتیاق دارد که دیدنی‌های این شهر افسانه‌ای و زیبا را هر چه زودتر تماشا کند. نخست از کوچه‌های تنگ و باریک محله یهودیان گذشتیم و بعد وارد چند کوچه نسبتاً پهن که دکان‌های عطاری یا داروخانه در گوشه و کنار آنها قرار داشت، شدیم و از آن جا به بازار رسیدیم» (بروگش، ۱۳۸۹، ۴۶۱).^۲ به طور کلی آنچه از نوشتار این سیاحان در مورد گذرهای شیراز برمی‌آید، این است که کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ شهر شیراز، مانند سایر شهرهای ایران است (ادوارد براون، ۳۱۱) و کل کوچه‌های شیراز مفروش از سنگ است (آل داوود، ۱۳۶۸، ۴۸) و البته خانه‌ها بسیار درونگراست و پنجره‌ای رو به کوچه ندارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

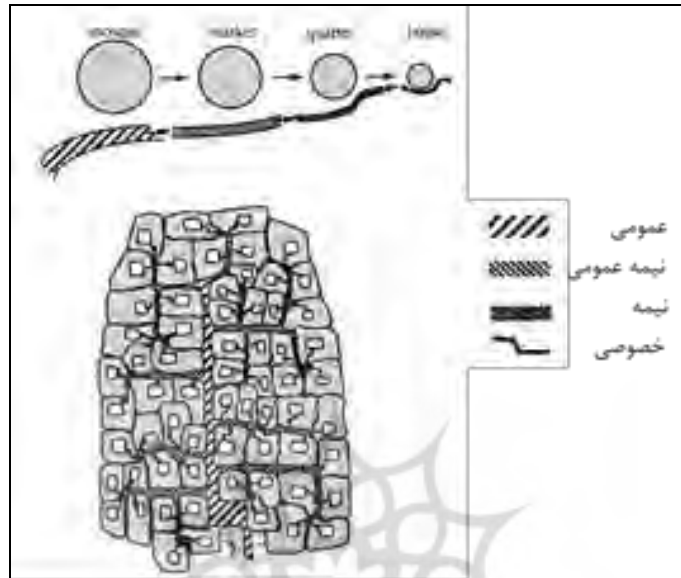
مقیاس کارکردی شبکه گذرهای تاریخی

سازمان کالبدی شهرهای ایران، بر اساس پیوند فضایی میان مجموعه عناصر مرکز شهر و مراکز محلات به وسیله رشته‌فضاها و عناصر ارتباط دهنده یا گذرهای اصلی، شکل گرفته است (توسلی، ۱۳۶۵، ۸). در شهرهای سرزمین‌های اسلامی، عرض خیابان‌ها تحت تأثیر شریعت اسلام قرار می‌گیرد؛ به طوری که حتی عرض گذرها به عملکرد قطعه‌های پیرامون آن بستگی دارد. برای

^۱ کروسینسکی نیز به عنوان پزشک در اواخر دوره صفوی طی دوره بیست ساله اقامت خود در ایران و به دلیل تسلط کامل بر زبان فارسی به آسانی با روحیه مردم و اوضاع اجتماعی و سیاسی آشنا شد و در سفرنامه خود منعکس کرد (اهمیت تاریخی سفرنامه‌های ایران، ۵۱۳).

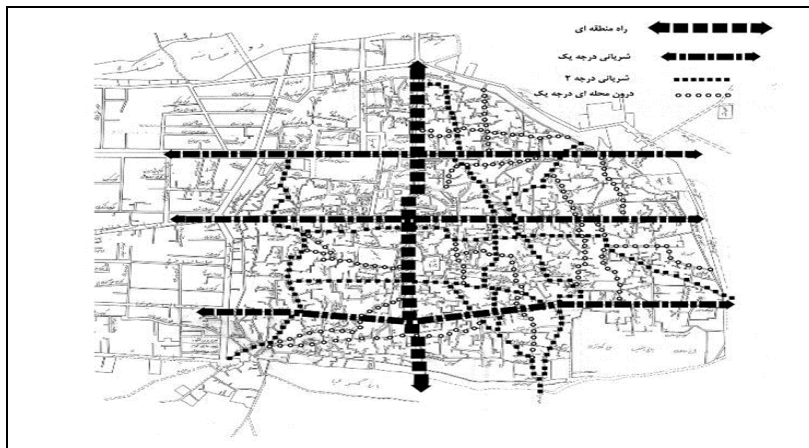
^۲ دکتر بروگش مستشار و استاد دانشگاه برلین و یکی از بزرگترین شرق‌شناسان روزگار خود بود. وی در تمام طول اقامتش در ایران در تمام شئون و روابط میان مردم ایران مطالعه کرد.

ایجاد آسایش اقلیمی و تعاملات اجتماعی قوی که بین اهالی شهر برقرار بوده است، عرض معابر متأثر از کارکرد مسکونی، تجاری، مذهبی و خدماتی پیرامون آن با ابعاد حداقل در نظر گرفته شده اند. از آنجا که طراحی گذرها براساس الگوی محرمیت شکل گرفته است، الگوی حرکتی پیچیده و پرپیچ و خم به گونه ای است که با تغییر عرض گذر، سلسله مراتب فضایی از پهنه عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی حفظ گردد. بدین ترتیب دستور زبان ویژه شهر به نحوی شکل می گیرد که علاوه بر ایجاد انسجام در بافت متراکم شهر، شبکه اجتماعی منسجمی تنیده شود (Mortada, 2003: 82-85).

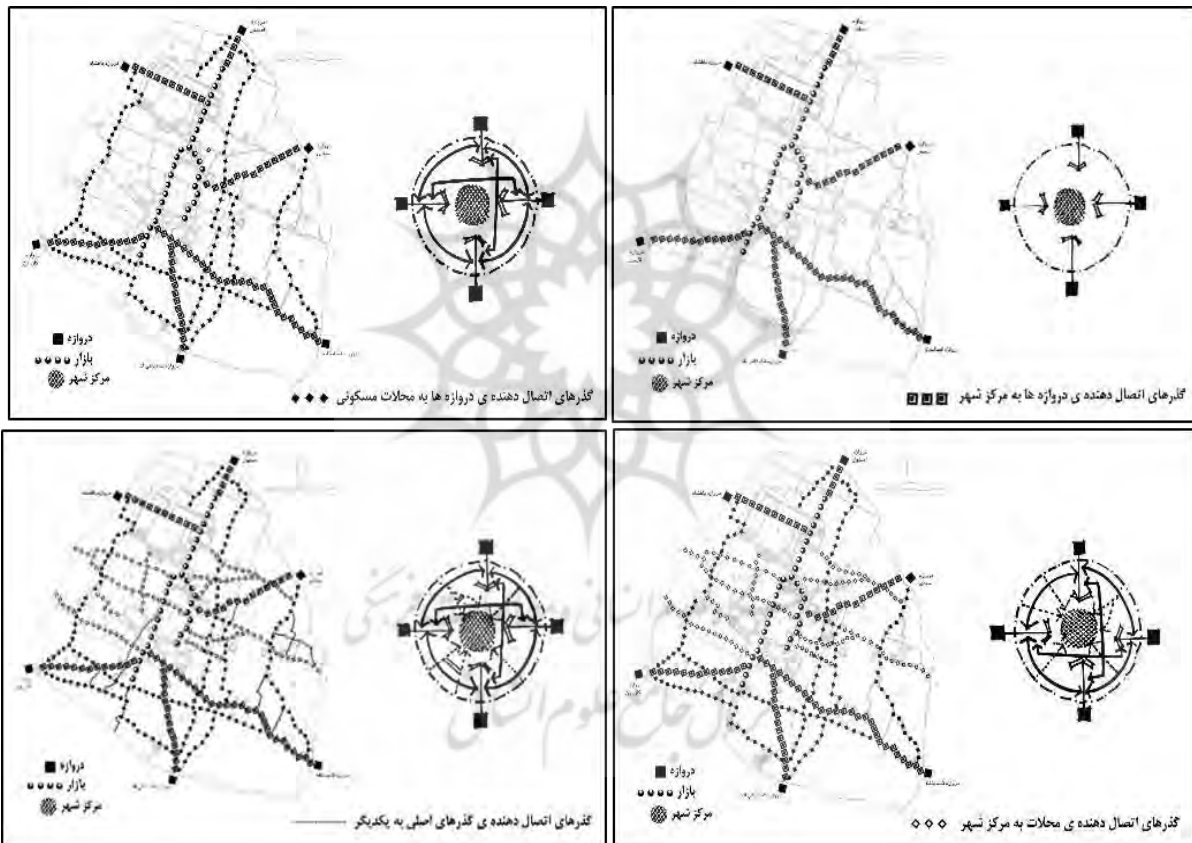


شکل ۱. سلسله مراتب سنتی گذرهای تاریخی شهر، براساس محرمیت کارکردی (Mortada, 2003, 86)

سلسله مراتب محرمیت در گذرهای تاریخی به گونه ای است که معابر اصلی عمدتاً از مرکز بخشی که بالاترین سطح زندگی اجتماعی و فعالیت های عمومی در آن شکل می گرفت، آغاز می شد و ابعاد آن به مرور تقلیل یافته و بدین ترتیب فرم و عملکرد سلسله مراتبی از فضای عمومی به نیمه عمومی و بعد به بن بست و خصوصی می رسید. چنین تمایز فضایی گاه با بهره گیری از درگاه ها و طاق ها که معبر را همچون کاربری اراضی تفکیک می کردند، حاصل می گشت (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۶). براساس مطالعات صورت گرفته در این پژوهش، از آنجا که بافت تاریخی شیراز، هویت مسکونی خود را حفظ کرده است، بسیاری از راه های شریانی درجه یک، حاصل اتصال تعدادی از راه های درون محله ای و مسکونی است. در واقع می توان گفت گذری که در مقیاس شهری و با ایجاد زنجیره ای با گذرهای قبل و بعد خود، مسیری را از دروازه ای به دروازه ی دیگر، یا از دروازه به مرکز شهر، شکل می دهد، در مقیاس محله ای به عنوان یک گذر خدماتی - مسکونی ایفای نقش می کند.



شکل ۲. سلسله مراتب شبکه دسترسی بافت تاریخی شیراز مبتنی بر نقش گذر در مقیاس شهر قدیم



شکل ۳. بررسی نقش ساختاری گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز. ساختاری که در این مطالعه مورد تحلیل قرار گرفته است، براساس ساختار پیش از خیابان کشی های دوران پهلوی اول و متعاقب آن تخریب های رو به افزون آن تا به امروز است. ۱- گذرهای اتصال دهنده ی دروازه ها به مرکز شهر، به صورت شعاعی ۲- گذرهای اتصال دهنده ی دروازه ها به محله های مسکونی، به صورت حلقوی ۳- گذرهای اتصال دهنده ی محله ها به مرکز شهر، ۴- گذرهای (محلی) اتصال دهنده ی گذرهای اصلی به یکدیگر.

نام گذرها و وجوه تسمیه آن

از دیگر ویژگی های گذرهای تاریخی شیراز، وجه تسمیه آن هاست. براساس مطالعات صورت گرفته در این پژوهش، نام های گذرهای تاریخی شیراز گاهی براساس اسم فرد معتمد و معتبر در محله و یا طایفه و قومیت و یا صنف خاص بوده است. گاهی نیز براساس موقعیت گذر نسبت به عناصر شاخص یا عناصر شاخص موجود در گذر نام گذاری انجام شده است که این عناصر هم

انسان ساخت و هم طبیعی بوده اند. همچنین به جهت فرم و شکل گذر یا موقعیت ارتفاعی و توپوگرافی آن و یا اسم مکان خاصی که گذر به آن منتهی می شده است، نامی بر آن نهاده شده است^۱. وجه تسمیه گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. وجه تسمیه گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز

وجه تسمیه گذر	نمونه گذر تاریخی در بافت قدیم شیراز
اسم فرد معتمد و معتبر در محله	حاج زینل، حاجی رجب، ملا محمد علی، مشیر، قوام، علمدار
اسم طایفه ی خاص	فیلی ها، بیات ها
اسم اقوام خاص	کوچه لرها، گود عربان، کوچه کازرونی ها
موقعیت نسبت به عناصر شاخص	کوچه پشت امامزاده، سرچاه آب، سرباغ
عنصر شاخص موجود در گذر	منصوریه، سنگ سیاه، حسینیه کردها، کوچه حمام ارگ، کوچه مسجد بغدادی کوچه حمام قورخانه، کوچه مسجد جولا، کوچه بازارچه حاج زینل
اسم محله بر روی گذر اصلی محله	لب آب، سنگ سیاه، سردزک
اسم بر اساس صنف خاص	کوچه گمرک چی ها، کوچه مغنی ها، کچه دیزی پز ها و کوچه صابونی ها
اسم میدان انتهایی گذر	کوچه میدان مولا، کوچه جلوخان آستانی، کوچه میدان حمام ارگ، میدان شاهپور
نام گذاری به جهت فرم خاص	قهر و آشتی، هفت پیچ
موقعیت ارتفاعی گذر	تل علاف ها، گود عربان، لب گود شازده منصور، گودقنات
عنصر طبیعی معروف	درخت گل اشرفی، کوچه درخت افرا

روش پژوهش

فرایند تحلیل گونه شناسانه گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز

«گونه» مفهومی کلیدی در معماری و شهرسازی به شمار می رود که توسط افرادی چون راپاپورت، مودون و رادبرگ در دهه ی ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. گونه، به عنوان یک مفهوم به نوع، طبقه یا دسته ای از مردم یا گروهی از اشیا اشاره دارد که ویژگی های مشخص مشترکی دارند و این ویژگی ها آنها را از دیگر مردم یا گروه های اشیا متمایز می کند (Rapaport, 1990, 48). گونه شناسی یا تیپولوژی، در فرهنگ غربی از ریشه کلمه تایپ، معادل واژه های مدل، نمونه، فرم، دسته، نماد و ویژگی گرفته شده است. فرهنگستان ادب، گونه شناسی را طبقه بندی مجموعه ای از دست ساخته های هم دوره در گونه ها و زیرگونه ها براساس شاخص های کیفی و کمی و ریخت شناختی و فناورانه و کارکردی تعریف کرده است. از مزایای استفاده از گونه شناسی می توان چنین برشمرد: ابزار توصیف ساختار شهری بر حسب ویژگی های مختلف؛ ابزار تحلیل و ایجاد ارتباط میان داده های زیست محیطی و اقتصادی - اجتماعی با گونه های مختلف تعریف شده و تحلیل آنها؛ و ابزار برنامه ریزی با تأمین درک عمیق از گونه های شهری که راه را برای برنامه ریزی و طراحی مناسب تر در سطح خرد و کلان هموار می نماید (Radberg, 1996, 386).

در این پژوهش هدف از گونه شناسی تفهیم راحت تر فضای شهری در جهت استفاده از این میراث تاریخی رو به زوال برای مداخلات آتی در این بافت هاست. بنابراین با توجه به هدف پژوهش که بازخوانی ویژگی های کالبدی فضایی گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز است، از روشهای تحقیق تفسیری - تاریخی و استدلال منطقی بهره گرفته^۲ و گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی (مشاهده و مصاحبه) انجام شده است. در این راستا با بررسی گذرهای بافت تاریخی شیراز، تلاش شده است از طریق بازخوانی مؤلفه های کالبدی گذرها و بارزهای آن، به نوعی گونه شناسی تحلیلی دست یافته شود.

این پژوهش برآن است تا با مطالعه و بررسی ۲۰ گذر تاریخی به معیارهایی جهت گونه شناسی گذرهای بافت تاریخی شیراز دست یابد و با استفاده از معیارهای به دست آمده، گذرها را دسته بندی و گونه شناسی کند. این ۲۰ گذر از میان مهمترین گذرهای تاریخی در محله های درب شازده، اسحاق بیک، بالاکفت، لب آب، سنگ سیاه و سردزک که از محله های تاریخی شهر هستند،

^۱. با مطالعات اسنادی و مصاحبه با ساکنان و اهالی گذشته بافت تاریخی، چگونگی نام گذاری گذرهای تاریخی مورد شناسایی قرار گرفته است.

^۲. تحقیق تفسیر - تاریخی به این جهت که بیانگر چگونگی شکل دادن به گذشته تاریخی است و تلاش می کند که کالبد و رویدادها گذشته را تشریح کند (ونگ، ۱۳۸۵).

انتخاب شدند. همان طور که در مقدمه بیان شد امکان برداشت میدانی گذرها با توجه به شرایط فرسودگی آنها و همچنین درجه اهمیت و پخشایش متوازن آنها در محله های بافت تاریخی شیراز، از مهم ترین دلایل چگونگی انتخاب آن ها بوده است. فهرست این گذرها به شرح زیر است:

۱- گذر میدان مولا، ۲- گذر قوام، ۳- گذر جلوخان آستانی، ۴- گذر حاجی رجب، ۵- گذر فیلی ها، ۶- گذر شاه علی، ۷- گذر علمدار، ۸- گذر بیات ها، ۹- گذر ملامحمدعلی، ۱۰- گذر دم تکیه یا گذر مسجد حاجی آبادی، ۱۱- گذر منصوریه، ۱۲- گذر دربند مشیر، ۱۳- گذر لب آب، ۱۴- گذر ذغالی ها، ۱۵- گذر گودعربان، ۱۶- گذر حاج زینل، ۱۷- گذر سنگ سیاه، ۱۸- گذر سرباغ، ۱۹- گذر نصیرالملک، ۲۰- گذر بهار ایران.





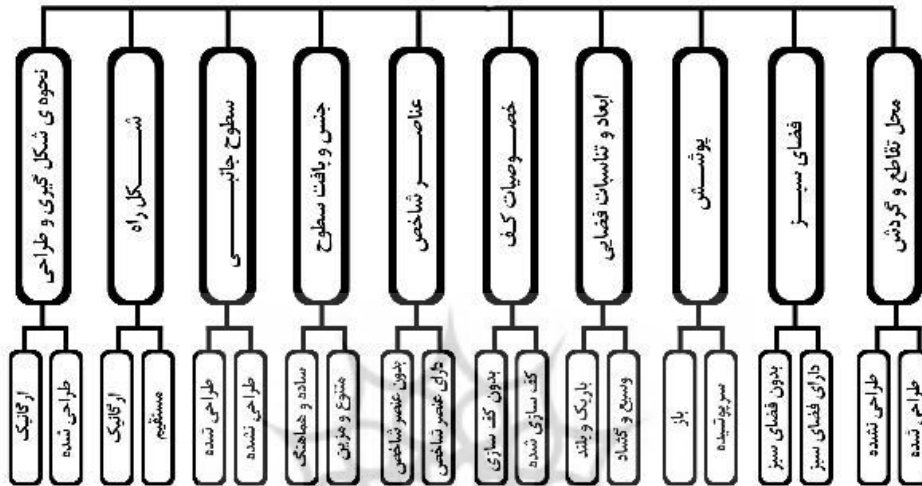
شکل ۴. شماره و نامگذاری گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز جهت گونه شناسی

یافته‌ها

خوانش ویژگی‌های کالبدی فضایی گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز

معیارهایی که پس از شناسایی کامل گذرهای تاریخی شیراز، در بازخوانی و تحلیل و گونه شناسی انتخاب و مورد استفاده قرار گرفته اند، به طور کلی عبارتند از: شکل گذر، فضای مکث، جهت جغرافیایی، سقف گذر، دید به عناصر شاخص، محصوریت

کالبدی و چیدمان عناصر و کاربری های شاخص در طول گذر^۱. این معیارها از میان ویژگی هایی که حاصل مطالعه پیشینه این پژوهش و دیدگاه صاحب نظران بافت های تاریخی شهرهای ایرانی است (توسلی، ۱۳۷۵)، (توسلی، ۱۳۷۶)، (سلطان زاده، ۱۳۷۰)، (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶)، (پاکزاد، ۱۳۹۰)، و نیز پیمایش میدانی پژوهشگر به شیوه تاریخی-تفسیری انتخاب شد. در این میان تلاش بر آن بود که ویژگی های شکلی و ساختاری مشترک برجای مانده از گذشته که قابل بازخوانی باشد مورد توجه قرار گیرد. ویژگی های منحصر بفردی که خود عامل بارزه مندی قلمروهای تاریخی و فرهنگی شهرهاست و فهم این ارزشمندی های مکانی و ارزش دهی دوباره به محیط های تاریخی می تواند سازوکاری برای بازخوانی فضاهای تاریخی و استفاده از آنها به عنوان الگوی بازطراحی گردد.



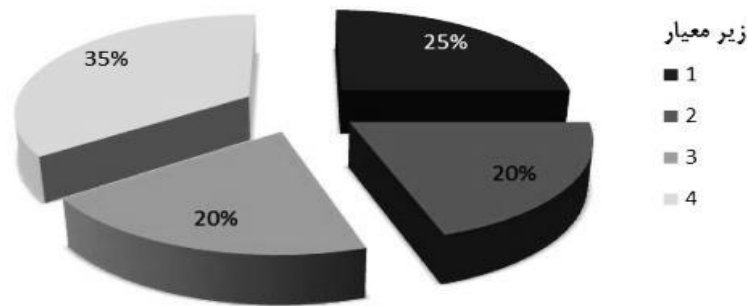
شکل ۵. ویژگی های شکلی گذرهای تاریخی بافت قدیم شهرهای ایران

بحث

شکل گذر

گذرهای بافت تاریخی شیراز، تحت تأثیر توپوگرافی، جهت سرازیر شدن آب، و نیز دسترسی به عناصر شاخص شهری شکل گرفته اند. همین امر، موجب شده است که برخی گذرها در مسیر خود دچار انحنای یا شکستگی هایی شوند. این شکستگی ها غالباً همراه با واشدگاه ها و در محل اتصال چندین راه به یکدیگر رخ داده است. این امر، موجب حفظ حریمیت بصری و پیچیدگی های حوزه ی مسکونی است. همچنین در محل شکستگی ها نیز، دو گذر از هم تفکیک می شوند و هویت مجزا پیدا می کنند. شایان ذکر است که در ساخت ارگانیک بافت، وجود چنین شکستگی هایی اجتناب ناپذیر است. بدین ترتیب به جهت شکل گذر، در مطالعات چهار شکل مستقیم، دارای خمیدگی (انحناء)، دارای شکستگی، و دارای انحناء و شکستگی قابل بازشناسی است.

^۱. راپوپورت اصولی را در جهت قاعده مند سازی گونه شناسی برای استفاده از آن در جهت برنامه ریزی ارایه می دهد: به کارگیری شاخص های متعدد به جای شاخص واحد: چون احتمال این که یک شاخص در میان گونه ها مشترک، اما سایر شاخص ها در آنها متمایز باشد، بسیار بالاست؛ پرهیز از تشخیص گونه ایده آل و خالص: در گونه شناسی، اعضای یک گونه به صورت ایده آل و تمام با هم مشترک نیستند، بلکه نسبت بزرگی از شاخص های آن ها با هم مشترک اند؛ عدم تأکید بر حضور تمام شاخص های مشترک در تمام اعضای حاضر در گونه: کافی است هر شاخص در میان تعداد بسیار زیادی از اعضای گونه مشترک و هر یک از اعضای گونه تعداد زیادی از شاخص ها را داشته باشند؛ و انتخاب معقولانه شاخص ها برای پرهیز از تکرار بیش از حد شاخص ها: درست است که هر چه قدر تعداد شاخص ها بیشتر باشد، گونه شناسی با دقت بیشتری انجام می گیرد، اما از سوی دیگر تکرار شاخص ها به معنای تکرار گونه ها و پراکندگی بیش از حد آنها خواهد بود. لذا باید یک حد بهینه ای برای تعداد شاخص ها تعیین نمود (Rapoport, 1996, 69-80).



شکل ۶. نسبت زیر معیارهای شکل گذر در بین نمونه‌های مورد مطالعه. ۱- شکل مستقیم، ۲- دارای خمیدگی (انحناء)، ۳- دارای شکستگی، ۴- دارای انحناء و شکستگی

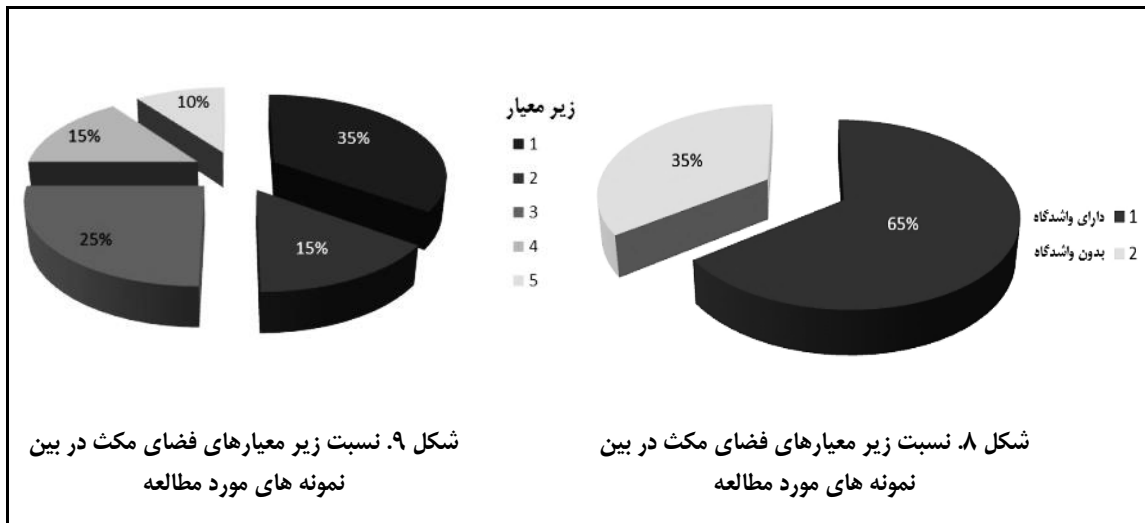
بین گونه‌های مورد مطالعه، گذرهای دارای انحناء و شکستگی، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند و گذرهایی که تنها خمیدگی داشته باشند در اقلیت قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که این شکستگی‌ها و انحناء‌ها موجب سکانس بندی گذر و در نتیجه افزایش تنوع فضایی در طول گذر و کاستن از یکنواختی آن می‌شود.

جدول ۲. گونه بندی گذرها در معیار شکل گذر

معيار	زیر معيار	گونه گذر
شکل گذر	۱- مستقیم	۱۶-۱۰-۹-۷-۳
	۲- دارای انحناء	۲۰-۱۸-۱۳-۵
	۳- دارای شکستگی	۱۱-۴-۲-۱
	۴- دارای انحناء و شکستگی	۱۹-۱۷-۱۴-۱۵-۱۲-۸-۶

فضای مکث

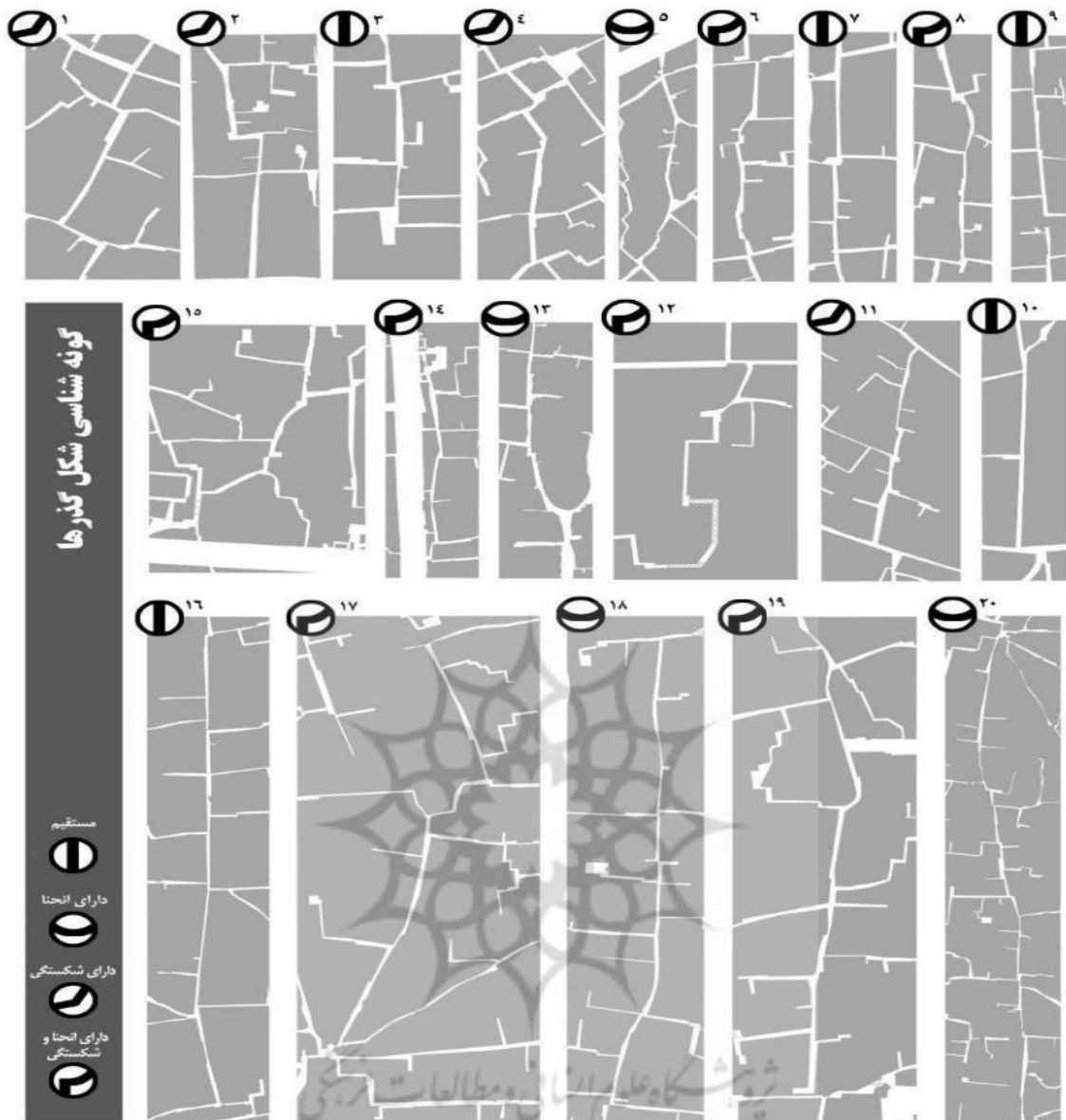
گذرها به عنوان مسیرهای خطی، جهت حفظ تباين فضایی و جلوگیری از یکنواختی، در طول خود، واشدگاه‌هایی را جای داده‌اند که عموماً در محل تقاطع چند راه قرار گرفته‌اند، یا جلوخانی هستند برای عناصر مذهبی همچون مسجد، مدرسه یا سقاخانه. برخی گذرها نیز با وجود طول بسیار زیادی که دارند، فاقد هر گونه واشدگاه مشخصی هستند. از این رو دو گونه گذر در این مطالعات قابل دسته بندی است: گذرهای دارای فضای مکث یا واشدگاه که این فضاها می‌تواند در ابتدا یا انتها، در ابتدا و انتها، در میانه، در میانه و ابتدا یا انتهای گذر قرار گرفته باشد؛ و گذرهای بدون فضای مکث یا واشدگاه.



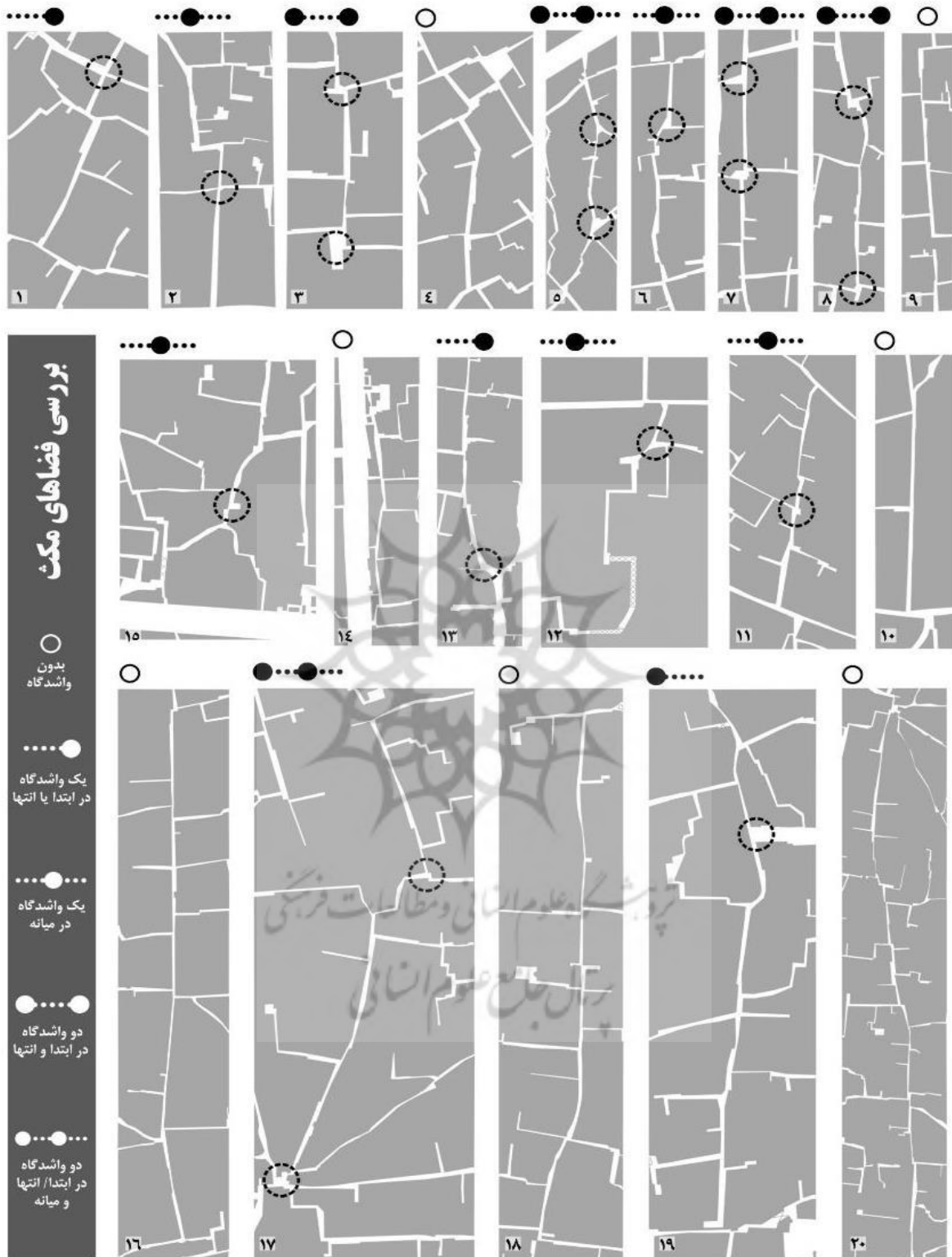
همانطور که مشاهده می شود ۶۵ درصد از گذرهای نمونه برداری شده در درون خود واشدگاه دارند که داشتن حداقل یک واشدگاه در ابتدا یا انتهای گذر، در میان آنها بسیار مرسوم است. پس از آن، گذرهایی که تنها یک واشدگاه در میانه ی خود دارند در درجه دوم و تنها دو گذر هم در میانه ی خود واشدگاه داشته اند و هم در یکی از دو سر خود.

جدول ۳. گونه بندی گذرها در معیار فضای مکت در گذر

معیار	زیر معیار	گونه گذر
فضای مکت	۱- بدون واشدگاه	۲۰-۱۸-۱۶-۱۴-۱۰-۹-۴
	۲- یک واشدگاه در ابتدا یا انتها	۱۹-۱-۱۳
	۳- یک واشدگاه در میانه	۱۵-۱۲-۱۱-۲-۶
	۴- دو واشدگاه در ابتدا و انتها	۱۷-۸-۳
	۵- دو واشدگاه در ابتدا یا انتها و میانه	۷-۵



شکل ۷. گونه شناسی شکل گذرهای ۲۰ گانه

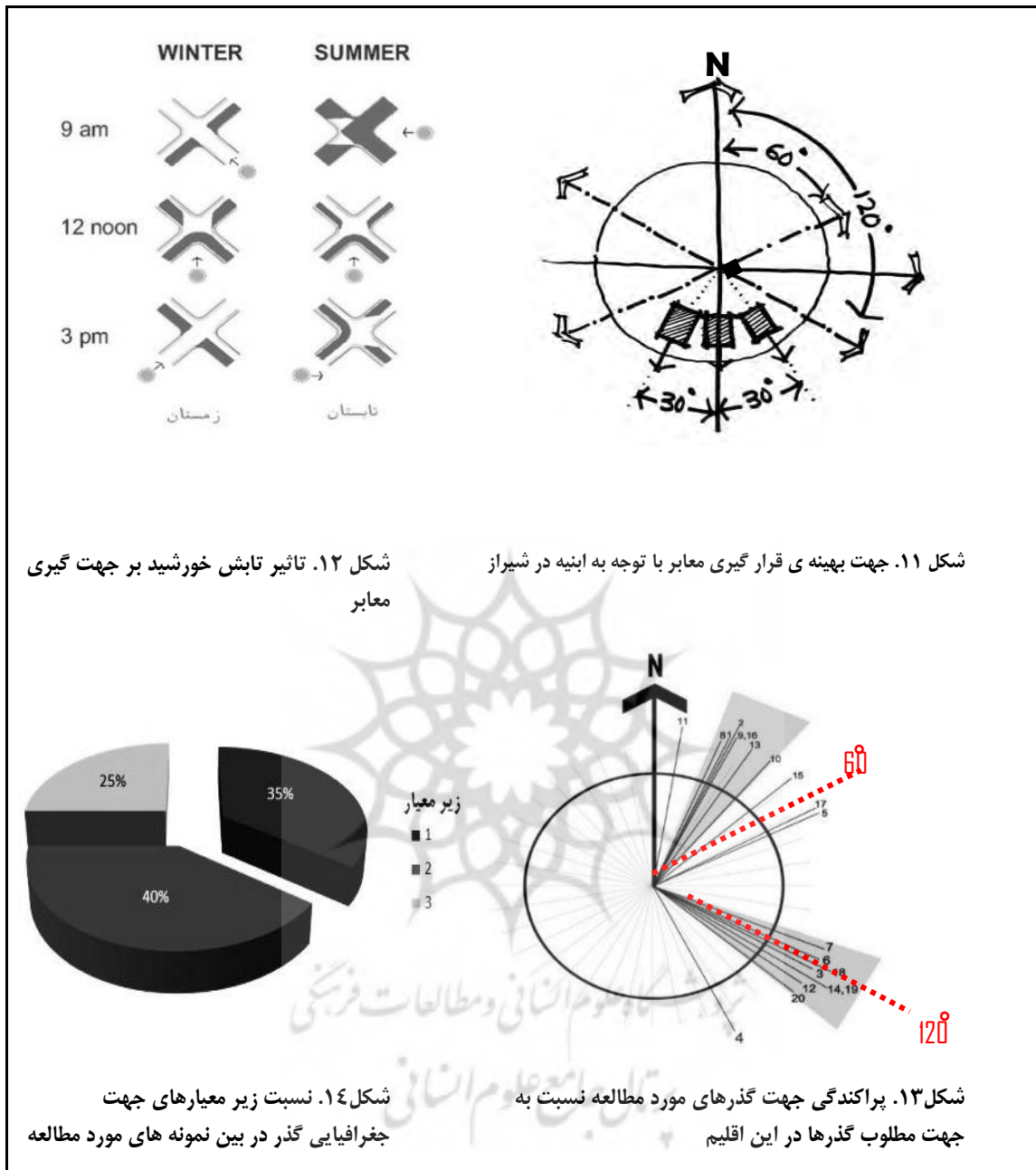


شکل ۱۰. فضاهای مکث یا واشدگاه‌ها در گذرهای ۲۰ گانه تاریخی بافت قدیم شیراز. دو گونه گذر در این مطالعات قابل دسته‌بندی است: گذرهای دارای فضای مکث یا واشدگاه که این فضاها می‌تواند در ابتدا یا انتها، در ابتدا و انتها، در میانه، در میانه و ابتدا یا انتهای گذر قرار گرفته باشد؛ و گذرهای بدون فضای مکث یا واشدگاه

جهت جغرافیایی

در شهر و معماری اسلامی، جهت، عاملی بسیار تعیین کننده و پرمعنا تلقی می گردد و در اندیشه‌ی حکمای مسلمان، داشتن جهت چنان ضروری است که اگر شیئی جهت نداشته باشد، جسم محسوب نمی شود. با استناد به روایاتی که در تفسیر آیه ی ۷۸ سوره یونس آمده است، توصیه شده که خانه های مسکونی به سمت قبله، کعبه‌ی مسلمانان ساخته شود (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۶-۸۷). بر آیندی از این تفکر و شرایط اقلیمی موجب شده است که رون شهر (جهت گیری عمومی قطعات) در بافت تاریخی شیراز از ۳۰ درجه جنوب شرقی تا ۳۰ درجه ی جنوب غربی باشد. بدیهی است معابر که عمود بر این محور قرار می گیرند، حول ۶۰ درجه شمال شرقی تا ۱۲۰ درجه شمال شرقی واقع می شوند. حال اگر مطابق تصویر این دو محور ترسیم شود و الگوی سایه اندازی جداره ها در تابستان و زمستان مورد بررسی قرار گیرد، می توان دریافت جهت گیری معابر به گونه ای است که در سرمای زمستان، جهت بهره گیری از نور خورشید، کمترین سایه و در تابستان با بهره گیری حداکثری از سایه ی جداره های خویش، آسایش اقلیمی را برای شهروندان فراهم می آورد. دلیل این امر نیز تغییر سمت طلوع و غروب خورشید در تابستان نسبت به زمستان است. بدین ترتیب جهت جغرافیایی گذر را در سه دسته می توان طبقه بندی کرد: ۱- بین ۲۰ تا ۴۵ درجه زاویه با راستای شمال، ۲- بین ۱۱۰ تا ۱۴۰ درجه زاویه با راستای شمال و ۳- سایر





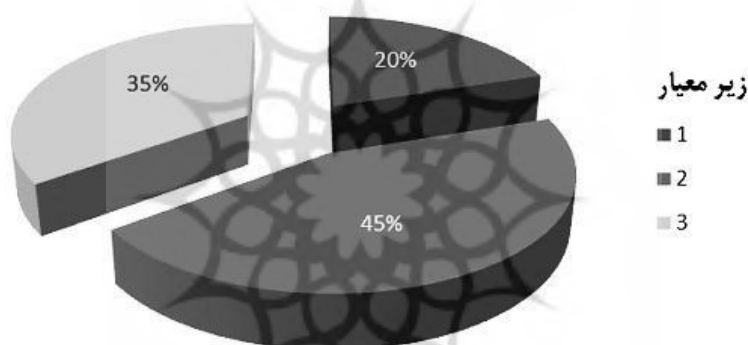
همانطور که مشاهده می شود، ۴ درصد از نمونه های برداشت شده، جهت گیری منطبق بر تحلیل انجام شده دارند. به نظر می رسد برای این که از زمین حداکثر استفاده را جهت ساخت و ساز انجام دهند و بلوک هایی با زوایای قائمه بسازند تا فضای بیهوده ایجاد نشود، ۳۵ درصد معابر که عمود بر جهت گیری مطلوب هستند، شکل گرفته اند و جهت گیری بین ۲۰ تا ۴۵ درجه شمال شرقی دارند که بهینه ترین اعداد نزدیک به جهت گیری ۶۰ درجه هستند.

جدول ۴. گونه بندی گذرها در معیار جهت جغرافیایی گذر

معیار	زیرمعیار	گونه گذر
جهت جغرافیایی	۱- بین ۲۰ تا ۴۵ درجه زاویه با راستای شمال	۱-۸-۹-۱۰-۱۳-۱۶
	۲- بین ۱۱۰ تا ۱۳۰ درجه زاویه با راستای شمال	۳-۶-۷-۱۲-۱۴-۱۸-۱۹-۲۰
	۳- سایر	۵-۴-۱۱-۱۵-۱۷

سقف گذر

سرپوشیده شدن گذرها می تواند توسط سایبان مغازه ها که به آنها در زبان محلی «بوریا» یا «کپر» می گویند، محقق شود و یا این که گذر بازارچه ای است که توسط طاق و تویزه های آجری سرپوشیده شده باشد. همچنین ساباط نیز می تواند از عناصر سرپوشیده کردن گذر باشد که در این موارد در واقع خانه ای در طبقه بالایی خود، روی گذر ادامه پیدا کرده و آن را در طبقه همکف می پوشاند. از آن جا که امروزه بسیاری از طاق ها و ساباط ها تخریب گردیده اند، برای شناسایی و بازخوانی آنها به نقشه‌ی سال ۱۳۴۳ سازمان نقشه برداری کشور استناد شده است. بدین ترتیب گذرها به سه دسته سرباز، دارای قسمت نیمه سرپوشیده و دارای قسمت سرپوشیده و نیمه سرپوشیده تقسیم می شوند.



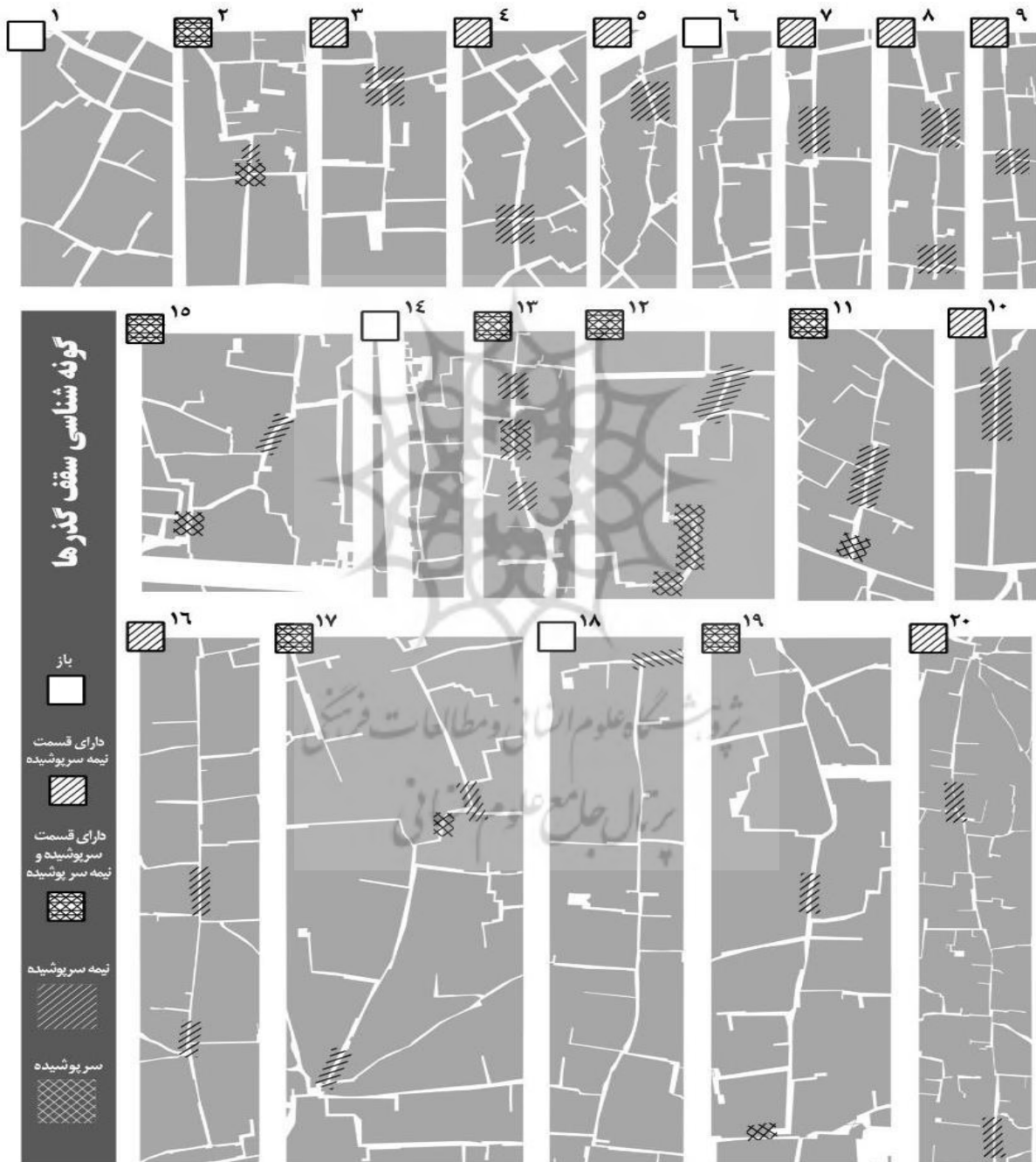
شکل ۱۵. نسبت زیر معیارهای سقف گذر در بین نمونه های مورد مطالعه.

۱- سرباز، ۲- دارای قسمت نیمه سرپوشیده و ۳- دارای قسمت سرپوشیده و نیمه سرپوشیده

تنها ۲۰ درصد از گذرهای برداشت شده، در طول مسیر، دارای هیچ گونه پوششی در سقف خود نیستند و ۸۰ درصد گذرها در طول خود حتماً قسمت های نیمه سرپوشیده دارند. این قسمت ها در واقع سایبان واحدهای تجاری هستند که در این مسیرها قرار دارند و قرارگیری ارگانیک آن ها در ارتفاع های غیر یکسان، موجب تقویت حس مکان گذر و افزایش کیفیت های فضایی حوزه ی تجاری می شود. همچنین تبیینی که حاصل سرپوشیده یا نیمه سرپوشیده شدن گذر است، موجب خوانایی بیشتر گذر و از بین رفتن یکنواختی آن می شود. نکته ی قابل توجه این است که در گونه گذرهای مورد شناسایی، اگر گذری کاملاً سرپوشیده شده، قطعاً در مسیر آن، رهگذر، قسمت های نیمه سرپوشیده را نیز تجربه کرده است.

جدول ۵. گونه بندی گذرها در معیار سقف گذر

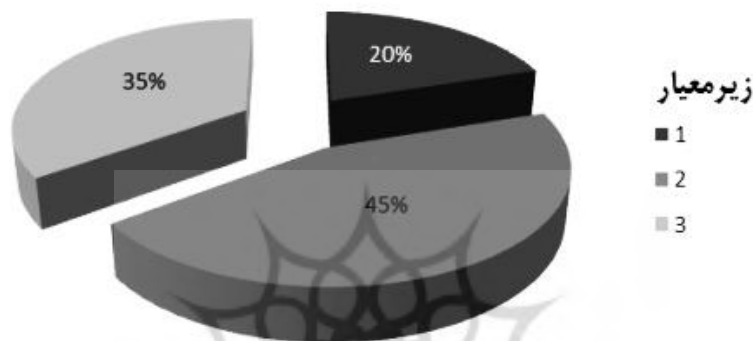
معیار	زیرمعیار	گونه گذر
جهت جغرافیایی	۱- باز (بدون پوشش سقف)	۱-۶-۱۸
	۲- دارای قسمت نیمه سرپوشیده	۳-۴-۵-۷-۸-۹-۱۰-۱۶-۲۰
	۳- دارای قسمت سرپوشیده و نیمه سرپوشیده	۲-۱۱-۱۲-۱۳-۱۵-۱۷-۱۹



شکل ۱۶- گونه شناسی سقف گذرها

دید به عنصر شاخص

معماری سنتی ایرانی، یک معماری درونگراست. از این رو بافت های تاریخی شهرها در کمال سادگی و بدون پیرایه شکل گرفته اند. ورودی ها تنها فضاهای تعریف شده و گاهی تزئین شده در طول مسیر یک گذراند که به علت ترس از غارت شدن و حفظ حریمیت، معمولاً در محور دید غریبه ها قرار ندارند. از طرف دیگر براساس مطالعات صورت گرفته، دید های موجود در بافت تاریخی شیراز، دیدهایی معنادارند. «دید» تنها به چیزی وجود دارد که ارزش دیده شدن و معرض دید قرار گرفتن را داشته باشد. این عناصر ارزشمند یا از جنس طبیعت اند؛ نظیر کوه ها که از دیرباز مرزی تعریف کننده برای شهر به حساب می آمدند و یا درختان هویت بخشی مانند نخل یا سرو. همچنین دید می تواند به قسمتی از بنایی انسان ساخت منتهی گردد که برای تقرب به پروردگار ساخته شده باشد؛ نظیر مساجد و امامزاده ها. از این رو در بحث دید به عناصر شاخص، سه زیرمعیار دید به عنصر انسان ساخت (گنبد یا مناره مسجد)، دید به عنصر طبیعی (کوه یا درخت) و فاقد دید مورد بررسی قرار گرفته است.

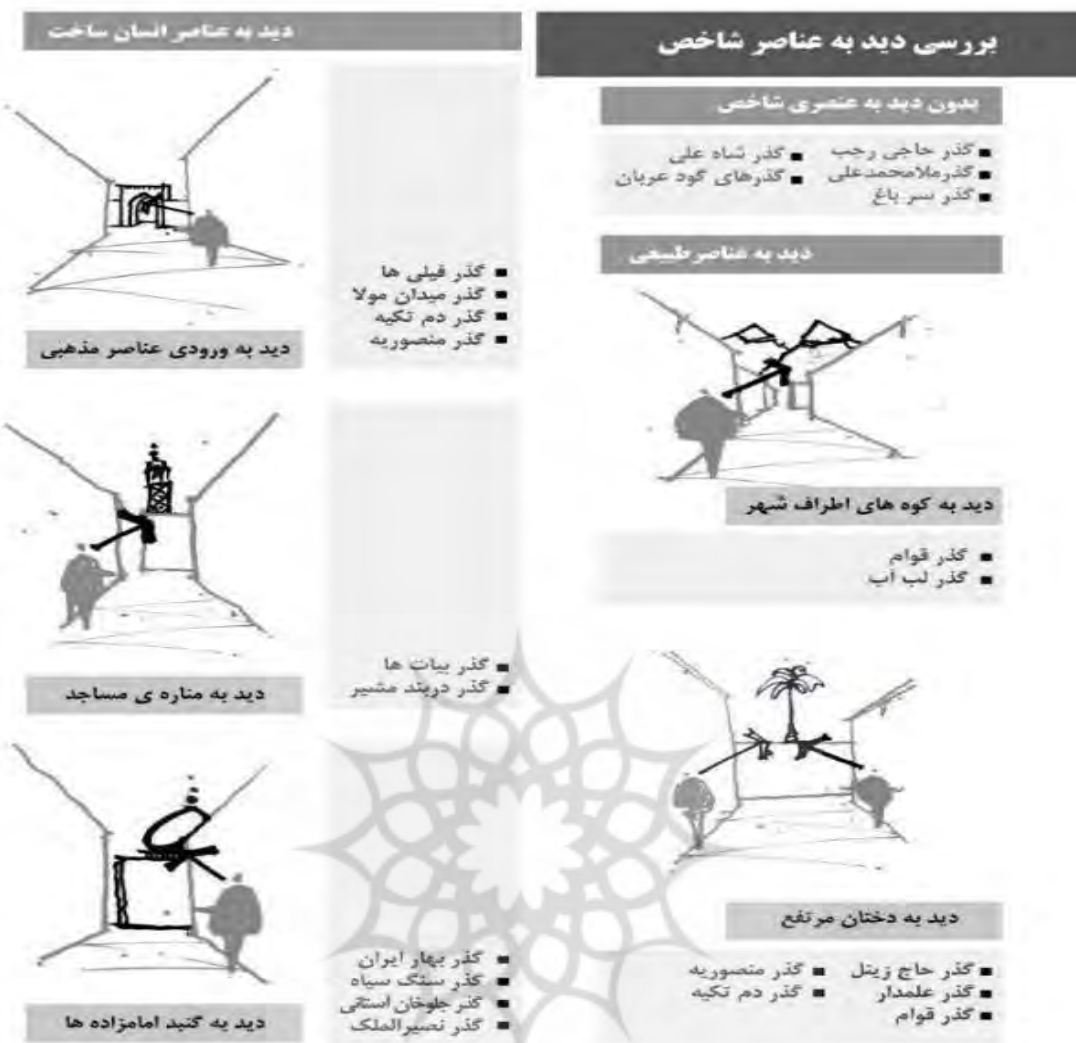


شکل ۱۷. نسبت زیر معیارهای دید به عناصر شاخص در بین نمونه های مورد مطالعه.

همانطور که مشاهده می شود، بیشتر گذرها به ورودی یا منار و گنبد عناصر مذهبی دید دارند؛ گویی قرار است در این شهر، همواره انسان، حضور نیرویی برتر را به خود یادآوری کند. وجود چنین دیدهایی علاوه بر القای معنا، موجب تقویت حس جهت یابی و خوانایی بافت می شوند.

جدول ۶. گونه بندی گذرها در معیار دید به عناصر شاخص

معیار	زیرمعیار	گونه گذر
دید به عنصر شاخص	۱- عناصر انسان ساخت (ورودی، گنبد و مناره)	۱-۳-۵-۸-۱۰-۱۱-۱۲-۱۷
	عناصر مذهبی)	۲۰-۱۹
	۲- عناصر طبیعی (کوه و درخت)	۱۶-۱۳-۱۱-۷-۱۰-۲
	۳- فاقد دید به عنصر شاخص	۱۸-۱۵-۹-۱۴-۶-۴



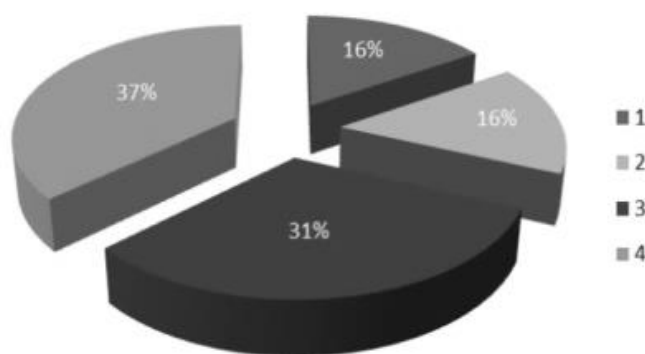
شکل ۱۸. دید به عناصر شاخص

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتنا جامع علوم انسانی

روند تغییر محصوریت

روند تغییر محصوریت در گذرهایی با طول زیاد، معمولاً به صورت متناوب است که این امر موجب افزایش تنوع فضایی می‌گردد و از یکنواختی مسیر جلوگیری می‌کند. کاهش محصوریت در میانه‌ی گذرها عمدتاً ناشی از وجود واشدگاهی در میانه‌ی آن است و در برخی از موارد نیز کاهش محصوریت در گذرهای طولانی، موجب کاهش حس تنگی در میانه‌ی مسیر می‌شود و افراد را به ماندن در فضا تشویق می‌کند. گذرهایی که در میانه‌ی خود با افزایش محصوریت همراهند، در میانه‌ی خود عنصری شاخص دارند که بر آن‌ها به لحاظ ارتفاعی تأکید شده است. همچنین برخی از آنها دارای نقشی درون محله‌ای هستند که افزایش ارتفاع و تنگی موجب محرمیت بیشتر این کوچه‌ها می‌شود. به این ترتیب این روند در چهار دسته زیر قابل تقسیم بندی است: ۱- نزولی/ صعودی، ۲- متناوب، ۳- کاهش شدید در میانه و ۴- افزایش شدید در میانه



شکل ۱۹. نسبت زیر معیارهای روند تغییر محصوریت در بین نمونه های مورد مطالعه.

همانطور که مشاهده می شود، حدود ۶۸ درصد از گذرها، در میانه‌ی خود محصوریتشان کاهش یا افزایش می یابد. در ۱۶ درصد گذرهای مورد مطالعه، محصوریت به صورت تناوبی، کم و زیاد می شود و ۱۶ درصد دیگر، گذرهایی هستند که خود قسمتی از مسیری طولانی تراند که روندی و یکنواختی روند صعودی یا نزولی که در میزان محصوریتشان مشاهده می شود، با وارد شدن به گذر دیگر در امتداد مسیر جبران می شود.

جدول ۷. گونه بندی گذرها در معیار روند تغییر محصوریت در گذر

معیار	زیرمعیار	گونه گذر
روند تغییر محصوریت	۱- صعودی / نزولی	۱۱-۸-۶
	۲- متناوب	۲۰-۱۷-۱۲
	۳- کاهش در میانه	۱۹-۱۶-۱۵-۹-۷-۵-۲
	۴- افزایش در میانه	-۴-۳-۱
		۱۸-۱۳-۱۰

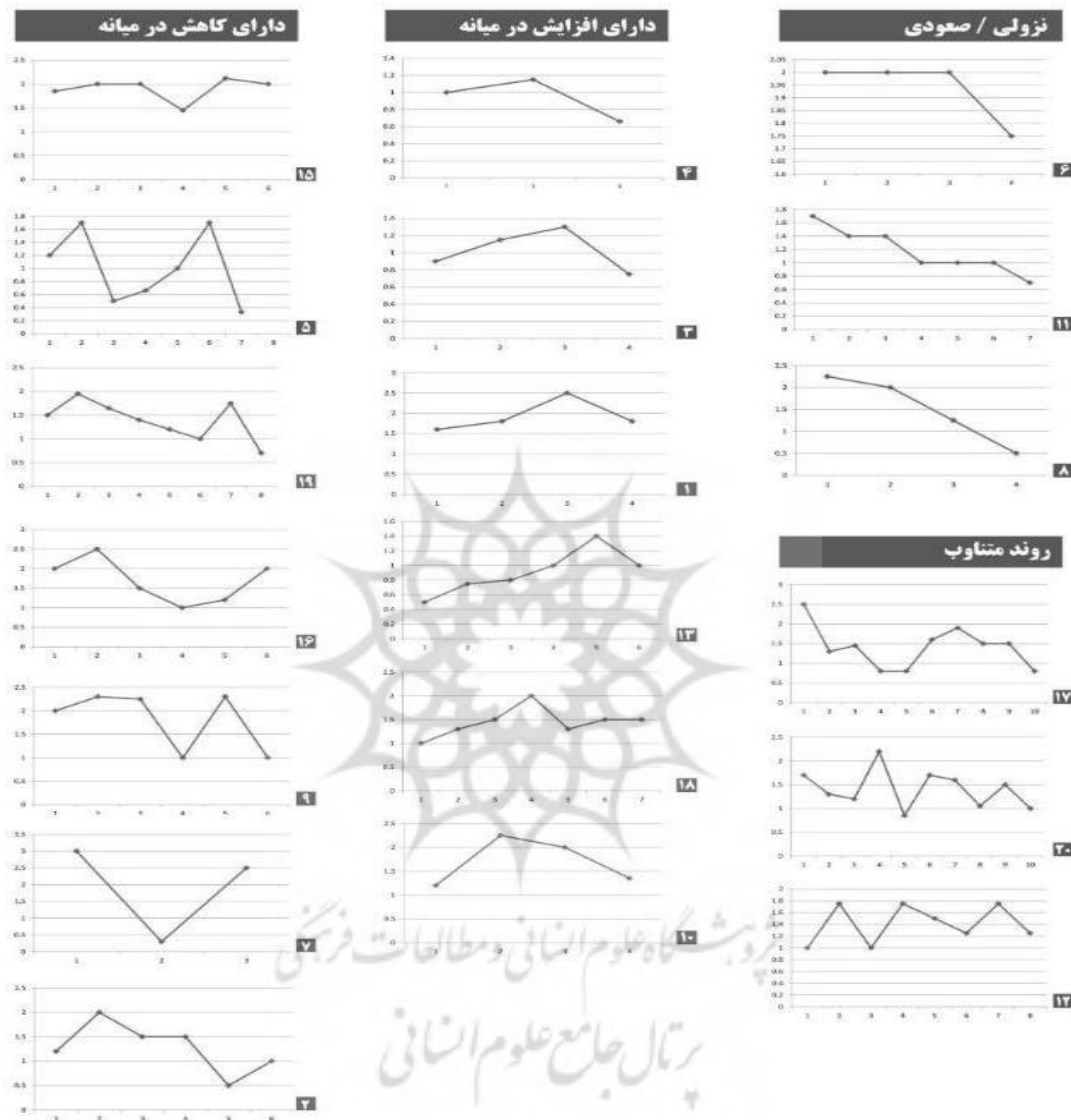
چیدمان عناصر و کاربری های شاخص در طول گذر

کاربری تجاری خرد، در تمامی گذرها، راسته ای را به خود اختصاص داده است و جزئی جدایی ناپذیر از شالوده‌ی گذرها به شمار می رود. این کاربری به دو شکل راسته و مرکز در طول گذر ظاهر می شود؛ که شکل راسته ای به دلیل انطباق بهتر با شرایط مورفولوژیک تمامی گذرها، مرسوم تر است. پخشایش بازارچه های محلی، گواهی بر دغدغه‌ی توزیع عادلانه خدمات در جهت دسترسی شهروندان به متاع روزانه خود و از این طریق، افزایش سطح رفاه اجتماعی است (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲۷ - ۱۲۸). در طول مسیر اگر واژگانی وجود داشته باشد، معمولاً عنصری غالب در پیرامون آن وجود دارد؛ مانند یک مسجد، امامزاده یا مدرسه.

ساده ترین دسترسی های محلی، تنها در خود، بازارچه ای دارند. گذرهای واقع در محله‌ی اعیان نشین (مانند گذر مشیر) و گذرهای اصلی درون محله ای که وظیفه تأمین دسترسی به واحدهای مسکونی را دارند، علاوه بر بازارچه، کاربری مذهبی را نیز در مجاور خود جای داده اند. در ۸۰ درصد گذرهای مورد مطالعه در این پژوهش، کاربری مذهبی شامل مساجد و مقابر بزرگان و امامزادگان یا حسینیه و سقاخانه احداث شده است. چرا که مقدس ترین مکان ها در زمین مساجداند و لذا برای طراوت و پاکی، باید همه ی بخش های زندگی انسان با مسجد آمیخته شود. نا گفته نماند که مساجد تنها به عنوان محلی جهت عبادت خدا مورد استفاده قرار نمی گرفت و مجموعه ای چند منظوره به شمار می آمده است (هشام، ۱۳۸۷). در فرهنگ اسلامی، یکی از مصارف زکات، تأسیس و ترمیم پل ها، بیمارستان ها، مدارس و مساجد و بناهای مورد استفاده ی مردم است و از دیرباز، قسمت عمده ی موقوفه ها در همین قلمرو، هزینه می شده است. این نظام وقف، کمک شایانی به تأسیس و ادامه حیات بناهای مذهبی داشته

است. این نوع از بناها، تأسیساتی از قبیل آبریزگاه، اصطبل، مکتب خانه و کتابخانه داشتند که مورد استفاده‌ی شهروندان قرار می‌گرفت و نقش به‌سزایی در آرایه‌ی انواع خدمات به مسلمانان ایفا می‌کرد (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۳-۹۱).

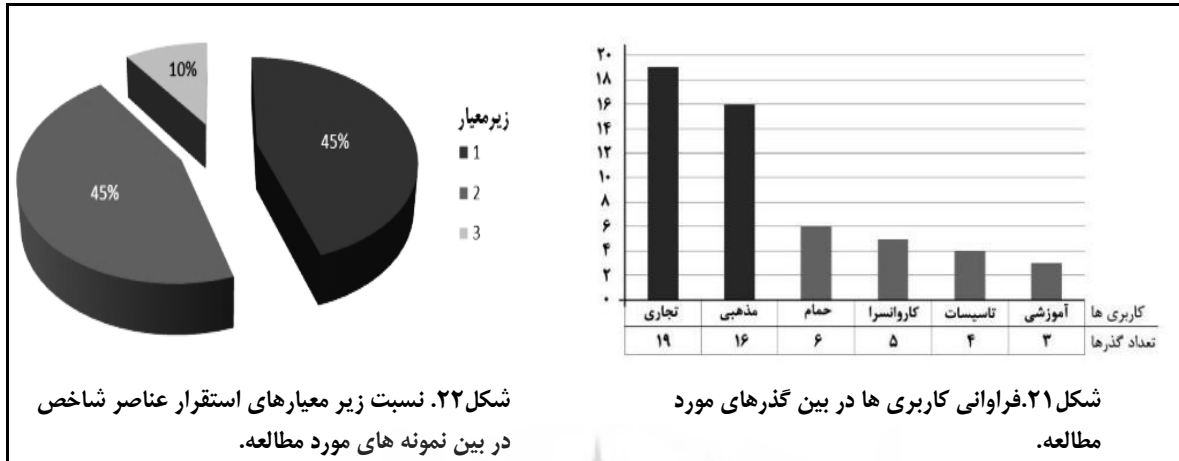
بررسی روند تغییر محصوریت در طول گذر



شکل ۲۰. بررسی روند تغییر محصوریت در طول گذرهای تاریخی بافت قدیم شیراز

طبق مطالعات صورت گرفته سه کاربری مسکونی، تجاری و مذهبی را می‌توان اصلی‌ترین کاربری‌های هر گذر دانست. از بین کاربری‌های مذهبی، معمولاً مساجد در محل تقاطع چند گذر شکل گرفته‌اند تا با دسترسی بهتر، به شعاع بیشتری خدمات رسانی کنند. همچنین معمولاً بازارچه‌ها در پیرامون مساجد شکل گرفته‌اند. اصل استقرار بازار در نزدیکی مسجد، کاربردی عملی دارد. علت این امر، مراجعه‌ی مسلمانان تقریباً پنج مرتبه در روز به مسجد است. بنابراین استقرار فعالیت‌های خرید و فروش، در حومه‌ی مسجد برای مردم، محل مناسبی برای داد و ستد در مسیر رفت و آمدشان است. به طور سنتی، محدوده‌ی پیرامون مسجد از لحاظ اجتماعی و عملکردی به عنوان مرکزی که بالاترین امکان تعاملات را فراهم می‌آورد، مطرح بوده است.

برخی گذرها نقشی خدماتی دارند، که این گذرها علاوه بر کاربری های تجاری و مذهبی، خدمات شهری مانند حمام را نیز در خود جای می دادند. همچنین گذرهایی که در داخل خود کاروانسرا داشته اند، یا از حصار منشعب شده اند، یا از دروازه و یا در راهی قرار گرفته اند که دروازه ای را به مرکز شهر متصل می کردند. کاروانسراها همیشه در ابتدا یا انتهای گذرها قرار گرفته اند که دلیل آن دسترسی بهتر و پرهیز از مزاحمت کاروانیان برای افراد ساکن محلی به نظر می رسد.



همانطور که مشاهده می شود، ۹۰ درصد گذرهای مورد مطالعه، توسط قرارگیری حداقل یک عنصر شاخص در یکی از دو سر خود تعریف شده اند و ۱۰ درصد آنها، عنصری شاخص تنها در میانه ی خود جای داده اند. به نظر می رسد دلیل این امر علاوه بر فراهم آوردن امکان استفاده ی ساکنان گذرهای مجاور از عناصر قرار گرفته در دو سر گذر، سبب القای معنا و شخصیت خاص گذر به شهروندان می شود که همین امر موجب خوانایی هر چه بیشتر بافت از طریق نشانه گذاری ابتدا یا انتها یا هر دو سمت گذر است.

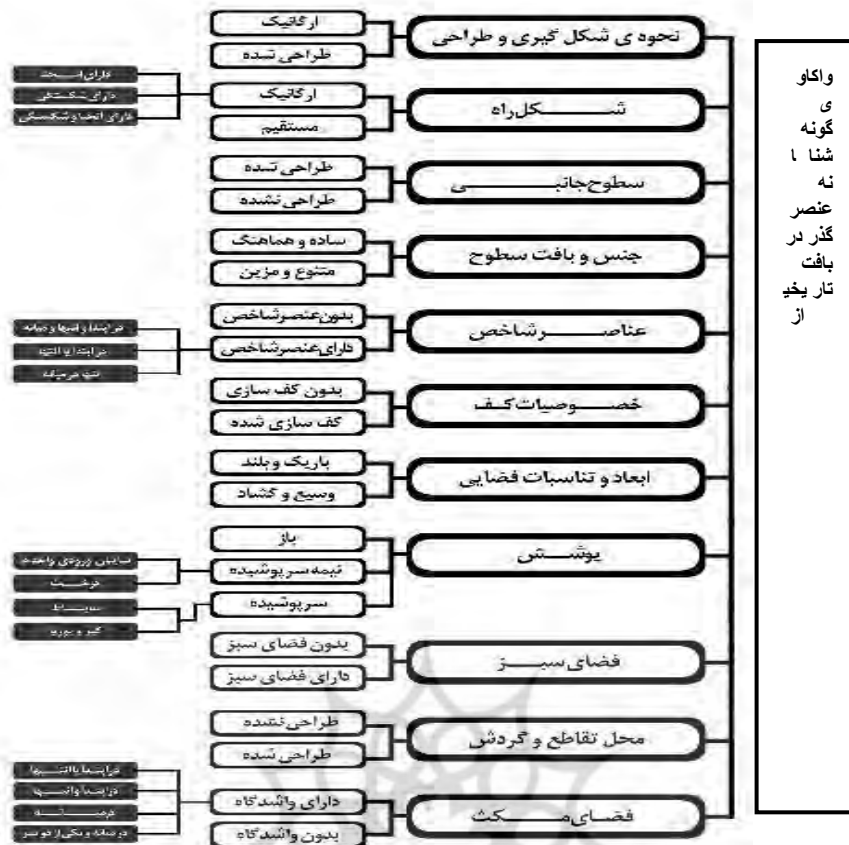
جدول ۸. گونه بندی گذرها در معیار نحوه چیدمان کاربری های شاخص در طول گذر

معیار	زیرمعیار	گونه گذر
چیدمان کاربری ها	۱- تعریف شدگی ابتدا و انتها و میانه گذر توسط عنصر یا کاربری شاخص	۱-۳-۵-۸-۱۲-۱۳-۱۷-۱۹
	۲- تعریف شدگی ابتدا یا انتهای گذر توسط عنصر یا کاربری شاخص همراه با تعریف شدگی میانه آن	۲-۶-۷-۱۰-۱۱-۱۴-۱۵
	۳- تعریف شدگی میانه توسط عنصر یا کاربری شاخص بدون تعریف شدگی ابتدا و انتهای آن	۴-۹

نتیجه

با توجه به نیاز به مداخله در بافت های مرکزی و کهن شهرها در جهت معاصر سازی و احیای مجدد آنها، جهت انجام مداخله آگاهانه و همگون در بافت، ضروری است که در ابتدا به بازشناسی ویژگی های شهر تاریخی و گونه بندی ویژگی های کالبدی و محتوایی آن، پرداخته شود. در این پژوهش با بررسی گذرهای بافت تاریخی شیراز، تلاش گردید از طریق بازخوانی مؤلفه های کالبدی گذرها و بارزهای آن، به نوعی گونه شناسی تحلیلی دست یافته شود. در شهرهای تاریخی ایران، گذرها افزون بر اینکه عامل تشخیص قلمروهای فرهنگی و زیستی هستند، موجب ایجاد تصویری متمایز برای بخش های مختلف آن می شوند. بر این اساس تنوع فرم و محتوا در عین ویژگی های مشترکی که می توان در هر شهر برای گذرهای تاریخی متصور شد، به نوعی رخ می نمایاند و سبب ایجاد تصویری متمایز برای هر بخش از شهر می شود.

تنوع در فرم و کالبد گذرها، می‌تواند سبب تکوین نوعی از نگاه گونه‌شناسانه شود که در آن معیارهای گوناگونی مانند نحوه شکل‌گیری و طراحی، شکل، سطوح جانبی، جنس و بافت سطوح، عناصر شاخص و تناسب فضای مورد توجه قرار می‌گیرند. به جهت شکل گذر، بیشتر گذرهای بافت تاریخی شیراز، دارای انحنا و شکستگی امتداد اند که این شکل موجب سکانس‌بندی، و افزایش تنوع فضایی در طول گذر و کاستن از یکنواختی آن می‌شود. همچنین گذرها به عنوان مسیرهای خطی، جهت حفظ تباين فضایی و جلوگیری از یکنواختی، در طول خود، واشدگاه‌هایی را جای داده‌اند که عموماً در محل تقاطع چند راه قرار گرفته‌اند، یا جلوخانی هستند برای عناصر مذهبی همچون مسجد، مدرسه یا سقاخانه. شرایط اقلیمی و عقاید مذهبی در شهر قدیم شیراز موجب شده است که جهت‌گیری عمومی قطعات در بافت، از ۳۰ درجه جنوب شرقی تا ۳۰ درجه جنوب غربی باشد. از این رو گذرهای شهر که عمود بر این محور قرار می‌گیرند، حول ۶۰ درجه شمال شرقی تا ۱۲۰ درجه شمال شرقی واقع می‌شوند. بدین ترتیب الگوی سایه‌اندازی جداره‌ها در تابستان و زمستان به گونه‌ای است که در زمستان، جهت بهره‌گیری از نور خورشید، کمترین سایه و در تابستان با بهره‌گیری حداکثری از سایه‌ی جداره‌های خویس، آسایش اقلیمی را برای شهروندان فراهم می‌آورد. اغلب گذرها در طول مسیر خود حتماً قسمت‌های سرپوشیده و نیمه سرپوشیده دارند. این شکل موجب تقویت حس مکان، خوانایی بیشتر گذر و از بین رفتن یکنواختی آن می‌شود. همچنین دید‌های معناداری که در گذرهای بافت تاریخی شیراز، به عناصر طبیعی مانند کوه و درختان و یا عناصر انسان‌ساخت مانند مساجد و امامزاده‌ها وجود دارد بر ایجاد هویت و خوانایی آن‌ها می‌افزاید. روند تغییر محصوریت در گذرهای تاریخی نیز به گونه‌ای است که با ایجاد تغییر آن در طول گذرهای طولانی از طریق سرپوشیده کردن مسیر و یا وجود سباط‌ها و یا واشدگاهی در میانه آن، تنوع فضایی افزایش می‌یابد و از یکنواختی مسیر جلوگیری می‌کند. در عین حال با وجود عناصری با کاربری خاص مانند بازارچه، مساجد، مقابر بزرگان و امامزادگان، حسینه و سقاخانه نقش عملکردی محتوایی گذرها علاوه بر دسترسی، تقویت می‌شود. خصوصاً این که نحوه چیدمان این کاربری‌ها در گذرهای تاریخی تعریف شده و به گونه‌ای است که خود بر غنای حسی و خوانایی گذر می‌افزاید. واکاوی و بازشناسی گذرهای بیست‌گانه تاریخی شیراز بیانگر ویژگی‌های متمایز و شاخص آن‌ها در ساختار شکلی فضایی شهر است. بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت علیرغم بنیان مشترک گذرها به عنوان اجزاء شکل‌دهنده به شبکه‌ای همپيوند در شهر تاریخی، ویژگی‌های منبسط از زمینه فرهنگی، موقعیت مکانی، و کارکرد و نقش‌پذیری مشخص، سبب ایجاد طیفی متنوع از گذرها با رعایت ملاحظات طراحی منجر به تکوین تباين و تداوم فضایی بوده است. این تنوع نشان از ظرفیت بافت تاریخی در ایجاد کلیتی متکثر از عناصر متباين خطی به صورت یک شبکه پویای شهری است.



شکل ۲۳. واکاوی گونه شناسانه عنصر گذر در بافت تاریخی شیراز

منابع

- اخوت، هانیة، الماسی فر، نینا و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۹). *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*. تهران: نشر هله.
- براون، ادوارد. ۱۳۶۱. *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه فتح‌الله مجتبیایی. تهران: انتشارات مروارید.
- اردشیری، مهیار، و معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). *هویت شهری شیراز*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- آل داوود، علی. (۱۳۶۸). *دو سفرنامه از جنوب ایران: در سال‌های ۱۲۵۶ و ۱۳۰۷ ه.ق.* تهران: امیرکبیر.
- بذرگر، محمدرضا. (۱۳۸۲). *شهرسازی و ساخت اصلی شهر*. شیراز: انتشارات کوشامهر.
- بروگش، هایریش کارل. (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه حسین کردیچه. تهران: اطلاعات.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). *مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۲). *سبک شناسی معماری ایرانی*. تهران: انتشارات سروش دانش.
- توسلی، محمود. (۱۳۷۵). *اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*. جلد اول و دوم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- توسلی، محمود. (۱۳۷۶). *قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. (۱۳۷۸). *فارسنامه ناصری*. جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حمیدی، ملیحه، حبیبی، سید محسن و و سایر همکاران. ۱۳۷۶. *استخوان بندی شهر تهران*. جلد اول، دوم و سوم. تهران: سازمان مشاوره فنی و مهندسی شهر تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. جلد ۱۲: (قوج - گیانا). تهران: موسسه لغت نامه دهخدا با همکاری انتشارات روزنه.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۰). *فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر. (۱۳۷۷). *آثار عجم*. مترجم: منصور رستگار فسایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلاح فر، سعید. (۱۳۸۸). *فرهنگ واژه های معماری سنتی ایران*. تهران: نشر کاوش پرداز.

- فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- کالن، گوردون. (۱۳۷۷). *گزیده ی منظر شهری*. مترجم: منوچهر طیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کروسینسکی. (۱۳۶۹). *ده سفرنامه*. ترجمه مهراب امیری، تهران: انتشارات وحید.
- مرتضی، هشام. (۱۳۸۷). *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- معماریان، غلامحسین و محمدعلی طبرسا. (۱۳۹۲). *گونه و گونه شناسی معماری*. نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۶، ۱۰۳-۱۱۴.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۹۳). *تاریخ جامع ایران*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- مینورسکی، ولادمیر. (۱۳۶۲). *رساله لرها و لرستان*. ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیاری. تهران: ونگ، دیوید. (۱۳۸۵). *تحقیق تفسیری-تاریخی در معماری*، ترجمه مهرداد قیومی. صفه، ۳۹، ۶۷-۹۸، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

References

- Al-e-Davood, Ali .1989. *Two travelogues from southern Iran*, Tehran: Amirkabir press. (in Persian)
- Ardeshiri, Mahyar & Gholamhossein Memarian .2011. *Shiraz urban identity*, Shiraz: Navid press. (in Persian)
- Bazregar, Mohammadreza .2003 . *Urbanism and Urban main Structure*, Shiraz: Kooshamehr press. (in Persian)
- Browne,Edward Granville.1989. *A Literary History of Persia*, Traslated by Fatollah Mojtabae,Tehran:Morvarid press. (in Persian)
- Brugsch, Heinrich Karl .2010. *Reise der königlich Preussischer Gesandtschaft nach Persien* (Journey of the Royal Prussian Embassy to Persia), Traslated by Hossein Kordbeche, Tehran: ettelaat press. (in Persian)
- Dehkhoda, Ali-Akbar .1978. *Dehkhoda Encyclopedic Dictionary of Persian Language*, Tehran: Rozaneh. (in Persian)
- Fallahfar, Saeed. 2008. *Encyclopedia of Iranian Architecture*. Tehran: Kavoshpardaz. (in Persian)
- Flandin Eugene .1977. *Itinerary to Iran*, Translated by Hosein noorsadeghi. Tehran: Eshraghi. (in Persian)
- Hamidi, Maliheh, Mohsen Habibi, and Javad Salimi. 1977. *The structure of the city of Tehran*. Tehran Municipality. . (in Persian)
- Hoseyni Fasai;Hasan .1989. *Farsnameh-ye Naseri* , tashih va tahshiyeh az Mansur Rastegar. Tehran, Amir Kabir. (in Persian)
- Kalen, Gordon.1998. *Summary of Urban Landscape*, Translated by Manuchehr Tabibian, Tehran, University of Tehran Pub. (in Persian)
- Kostof, S. .1993.*The City Shaped*, Bulfinch.
- Krosinsky .1990. *Ten Travell Story*, Traslated by Mehrab Amiri, Tehran: Vahid. (in Persian)
- Madrazo Agudin, Leandro.1995. *The Concept of Type in Architecture: A Inquiry into the Nature of Architectural Form*. Thesis for the degree of Doctor of Technical Sciences. Swiss Federal Institute of Technology.
- Memarian Gholamhussein and Mohammad Ali Tabarsa .2013. *Type and Typology of architecture*, Journal of Scientific association of architecture and urban design of Iran,(6), Pages 103-114. (in Persian)
- Minorsky ,Vladimir .1983.*Lur and Lurestan*, Traslated by Sekandar Amanolahi-Baharvand and Leyli Bakhtiar, Tehran: Babak. (in Persian)
- Mohammad Nasir Forsat Shirazi.1998. *Asar-e Ajam*, ed. by Mansur Rastegar Fasaii,Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Mortada, Hisham .2008. *Traditional Islamic principles of built environment*, Traslated by Abolfazl Meshkini and kyoumars Habibi. Tehran: Urban Planning & Architecture Research Centre of Iran. (in Persian)
- Mortada, Hisham.2003. *Traditional Islamic Principles of Built Environment* , New York: Routledge
- Mousavi-Bojnourdi , Kazem . 2014. *The Comprehensive History of Iran*, Tehran: the Center for the Great Islamic Encyclopedia. (in Persian)
- Okhovat, Hanieh, Mohammad-reza Bemanian and Nina Almasi-far .2011. *Traditional Islamic Principles of Built Environment*, Tehran: Helleh press. (in Persian)

- Pakzad, Jahanshah .2011. *Articles on architectural and urban design concepts*. Tehran: Armanshahr press. . (in Persian)
- Paneraï, Ph. et al. .2005. *Urban Forms: The death and life of the urban block*, Oxford: Architectural Press.
- Pirnia, Mohammad Karim.2013. *Cognitive of Iranian architecture style*, Tehran: Soroush Danesh. Press. (in Persian)
- Radberg J. .1996. *Towards a Theory of Sustainability and Urban Quality: A New Method for Typological Urban Classification*, in Gray M., (ed.), *Evolving Environmental Ideals: Changing ways of life, Values and Design Practice*, Book of Proceedings for the 14th Conference of the International Association for People- Environment Studies, Stockholm, pp.384-392.
- Rapoport, Amos .1997. *Social organization and the built environment*, in Tim Ingold (ed.) *Companion Encyclopaedia of Anthropology: Humanity, Culture and Social Life*, Abingdon: Routledge, 460-502.
- Rapoport, Amos.1990. *Vernacular Architecture*, in Turan M., (eds.); *Current Challenges in the environmental Social Sciences*, Avebury, Aldershot, England.
- Soltanzadeh, Hossein .1991. *Urban Spaces in Iranian Historical Cities*, Tehran: cultural Research Bureau. (in Persian)
- Tavassoli, Mahmoud.2007. *Principles and Methods of Urban Design and Residential Space in Iran*, Tehran: Urban Planning & Architecture Research Centre of Iran. (in Persian)
- Tavassoli, Mahmoud.2007. *Urban Space Design Principles*, Tehran: Urban Planning & Architecture Research Centre of Iran. (in Persian)
- Wang, David .2006. *“Interpretational- Historical Research”*, Traslated by Mehrdad Qayyoomi, in Soffeh, no. 39. Pages: 67-98. Tehran: Shahid Beheshti University. (in Persian)

